

Architecture

معماری و شهرسازی

مکان - فضایی¹ برای تبیین مرکز محله در شهر اسلامی مسجد - مدرسه

مجید جمشیدی فلاورجانی

کارشناس ارشد طراحی شهری و مدرس رشته شهرسازی دانشگاه امین فولادشهر

چکیده:

جامعه‌ی ایران علاوه بر پیشینه‌ی تاریخی و تمدنی مزین و مفتخر به اسلام نیز می‌باشد و این در حالی است که کمتر نشانه و شاخصه‌ای از این موارد در فضا و سیمای شهرهایمان بروز داده شده و ضرورت مسئله در جایی هویدا می‌شود که در می‌یابیم جامعه‌ی مسلمان ایران با تکیه بر اصول و عقاید تشیع در پی یافتن و ساختن آرمان شهری می‌باشد که قرار است الگو باشد و تجلی‌گاه معنویات و آموزه‌های آن، آرمان شهر اسلامی نه تنها به سیمای شهرهای کهن و به دور از ابزارهای تجدد (مدرنیسم) نمی‌باشد بلکه کاملاً مدرن و پایدار است، در این مقاله سعی شده که با پذیرفتن ایده محله محوری در شهرهای آینده‌مان (همانند نظریه نوشهرگرایی در جوامع غربی) به دنبال چگونگی ترسیم فضا و کالبد این محله باشیم، در این راستا برای استقرار نوعی کاربری در مرکز محله به عنوان نقطه ثقل توجه و دسترسی پیشنهاد مسجد مدرسه را می‌دهیم، مسجد مدرسه‌ای که در سه عنوان کالبد، عملکرد و معنا دچار نوعی باز تعریف شده است یعنی کاملاً پایدار، کاملاً بدون پیرایه و نهایت تأثیرگذاری را داراست. روش تحقیق، تحلیلی - توصیفی می‌باشد و ابزارهای مطالعه شامل مطالعات کتابخانه‌ای است.

کلید واژگان: مرکز محله - مسجد مدرسه - ترادسی - واحد همسایگی

1 مکان فضا به آن جهت که نه تنها به عنوان فرمی سه بعدی برای خود مکانی در فضا بوجود آورده است بلکه بسط دهنده‌ی نوعی جهان بینی و القا کننده‌ی رفتارهای خاص خود می‌باشد و از این جهت با یک مکان عمومی همچون مدرسه به تنهایی یا ساختمان اداری یا مجتمع تجاری دارای تفاوت می‌باشد و در واقع بر بعد اجتماعی آن تأکید دارد.

Architecture

معماری و شهرسازی

مقدمه:

در پی یافتن نقطه ای برای ترسیم شعاع دسترسی محلی (مرکز محله)، ناگزیر به موجودیتی فکر می کنیم که هم دنیاست و هم آخرت، هم علم و هم عرفان، هم وسیله است و هم هدف که این دوتایی ها در فلسفه ی اسلامی نه همچون فرهنگ غالب غربی، در تقابل با یکدیگر و در عرض هم که در کنار یکدیگر، در طول هم و مکمل می باشند.

نقطه ی مذکور را مسجد- مدرسه می یابیم، چراکه در شهر اسلامی باید هم معنویات به حد اعلا ی خود برسد و هم چراغ علم روشن باشد و این دو در کنار همدیگر سیر رسیدن به هدف غایی را که همان سعادت بشر است میسر می کنند.

حال با فرض درستی این نظریه (استقرار مسجد - مدرسه در مرکز محله) به چگونگی آن می پردازیم، در ابتدا سیر تاریخی و شکل گیری آن را مرور می کنیم و برای رسیدن به نتیجه ای درست نگاهی به مفاهیم دینی و شریعت می اندازیم تا آن آموزه ها و ذهنیات را در عینیت تجلی دهیم، به جای الگو برداری محض از غالب های گذشته و تقلید بدون منطقی و مطلق از آنها و یا فراموشی تمام آن آموزه ها و انگاره های تاریخی سعی را بر استفاده از تراثیسی³ گذاشته تا علاوه بر استفاده از فرم ها و فضاهای هویت ساز و بومی از مواهب فن آوری نو و اصول صحیح غیر بومی نیز برخوردار شویم و به اصطلاح به اختراع چرخ از ابتدا فکر کنیم (نه این که آن را از نو بسازیم).

امید است که این نقطه ی شروع ما را به سوی ایده هایی جهت معماری و شهرسازی شایسته و معرف ایران اسلامی رهنمود کند شهر به عنوان بزرگ ترین هنر بشر نمودی است از فرهنگ، اقلیم، سبک زندگی و بسیاری ویژگی های هر جامعه. ساختار شهر و فضای حاکم بر آن بر نوع رفتار مردم تأثیر می گذارد و مردم با ویژگی های رفتاری خود این فضاها را شکل می دهند و ساختارها را تغییر، رابطه ای دو سویه و تأثیرگذار، اما نمود این تأثیرگذاری در بلند مدت است که خود را کاملاً بروز می دهد و گر چه مردم خود این فضاها را متناسب با فرهنگ و امیالشان به صورت تدریجی و ذره ذره بوجود می آورند ولی نقش سیاستگذاران و مدیران شهری که همان جهت دهی، الگوسازی و تسریع روند است را نباید فراموش کرد.

در ادامه با نگرشی بر تاریخچه و ساختار شهرهای ایران سعی بر ارائه نظراتی جهت هر چه بهتر شدن آن در آینده می کنیم. با مروری بر شهرها در می یابیم که اکثر آنها در دوران های گذشته تقریباً در تمام کشورها به صورت درون گرا بوده اند، شاید دلیل اصلی این اتفاق مسئله حمله - دفاع و لزوم حفظ مسائل امنیتی بوده است ولی در غرب بعد از انقلاب صنعتی و رشد علم و همچنین تغییر نوع جنگ ها و بسیاری دلایل دیگر از جمله مسائل فرهنگی و اعتقادی، فضاهای شهری به نوعی توانستند به سمت برون گرایی نیز پیش بروند ولی در ایران به دلیل نوع فرهنگ مسلط بر آن درون گرایی هم در سطح شهر و هم در مسکن حفظ گردید و ساختار محلات قدیمی گر چه به اثر خیابان کشی ها متلاشی گردید و بسیاری حوزه ها ناپدید شد ولی کماکان محله بندی را می توان در سلسله مراتب تقسیم بندی بعد از شهر و بالاتر از خانه یافت، اتفاقی که در شهرهای غربی با عنوان واحدهای همسایگی در حومه های شهری شکل گرفت.

3 - به معنای ایجاد شکل جدید بر پایه مفاهیم گذشته

Architecture

معماری و شهرسازی

لذا، بین محله در شهرهای ما و تعریف واحد همسایگی در شهرهای غربی اختلاف وجود دارد، از جمله اینکه واحد همسایگی را می توان بر اساس شعاع دسترسی جمعیت و یا لبه های حرکتی (خیابان ها، معابر پیاده و دوچرخه و ...) جدا کرد ولی در محله بندی معیاری مطلق و مشخص برای تقسیم فضا وجود ندارد و اکثراً در ذهن اهالی محله و با توجه به شناخت جمعی است و گاهاً مرز تفکیک محلات از ما بین دو پلاک مجاور عبور می کند، همچنین از دیگر نکات تفاوت در واحد همسایگی و محله نوع نگرش به مرکز محله به عنوان هسته مرکزی است، در واحه های همسایگی توجه ویژه به مسائل فرهنگی و در نظر گرفتن ضریب خاصی برای دسترسی به مراکز آموزشی است، این واحه های همسایگی به مرکزیت یک مدرسه ابتدایی بوجود می آیند، که این مدرسه در میان فضای سبز قرار گرفته است، همچنین ساختمان های مذهبی، پارک و مرکز فرهنگی، کاربری هایی هستند که در آن جای می گیرند ولی در محلات ما از زمان گذشته مرکز محله به شکل جایگذاری مسجد، حمام، بازار (تجاری) و گاهاً مدرسه علمیه بوده است و لی در شهرسازی جدید و طرح های آینده کماکان به ایده منسجم و شکل یافته ای از مراکز محلات با توجه به نیازهای بومی دست نیافته ایم.

چرا که از دهه چهل تا کنون، بررسی محلات و نوع محله بندی فقط به صورت دوبعدی در نقشه ها دیده میشود و در طرح های پیشنهادی برای ساماندهی شهرها توجهی به مراکز محلات و نحوه ساماندهی آنها و همچنین استقرار مرکز محلات به عنوان هسته های منسجم کننده محلات نمیشود.

بررسی سیر تحول تاریخی مفهوم محله در ایران نشان دهنده آن است که محله دارای پایداری و ماندگاری در طول تاریخ شهرنشینی ایران تا دوره ی معاصر (دوره ی پهلوی به بعد) بوده است که با نفوذ فرهنگ شهرسازی غرب نقش مهم کالبدی- اجتماعی خود را از دست داده است. محله سنتی ایران بر اثر همبستگی و یکپارچگی اجتماعی قوی بین ساکنین ایجاد می گردید.

محله ی شهری با تشکیل گروه های اجتماعی که دارای ارزش های مشترک می باشند، اتحاد و همبستگی را در بین افراد ایجاد می نمود و حمایت ساکنین را از شرایط جمعی فراهم می آورد، پایه ای برای عمل جمعی فراهم می کند و از این طریق باعث تقویت روحیه همکاری و تعاون و روابط همسایگی (که در منابع اسلامی نیز به آن زیاد اشاره شده است) در بین افراد می گردید. بنابراین محله سکونت گاه مناسبی را برای گروه های اجتماعی مختلف مردم با خاستگاه های متفاوت فراهم می کرده است. در دوره ی پهلوی اول با ورود اتومبیل و خودرو به بافت های کهن شهری، سازمان کالبدی، فضایی محلات از بین می رود و با دگرگونی های انجام شده و به همراه آن ساختار اجتماعی و همبستگی اجتماعی قوی در سطح محلات و آشنایی ها و ارتباطات نیز از بین می رود. در دوره ی پهلوی دوم و به خصوص با اجرای طرح های جامع سعی در اجرای سلسله مراتب تقسیمات کالبدی و از جمله محلات بر اساس تعریف غربی از محله دارد، که عملاً به اجرا در نمی آید.

روند تخریب محلات قدیمی در بافت های تاریخی شهرها ادامه پیدا می کند. فرآیند تهیه طرح های توسعه ی شهری همانند گذشته ادامه پیدا می کند و عملاً پیشنهادات طرح ها در مورد محلات شهری تحقق پیدا نمی کند و در عین حال ظهور مفهومی دیگر از محله شکل می گیرد که به صورت ظاهری در نقشه های دو بعدی شهرسازی دیده می شود. در حال حاضر با تغییرات گسترده در مفهوم محله، محله به یک مفهوم ذهنی تبدیل شده که هر یک از ساکنین به نوعی آن را تعریف می کند.

Architecture

معماری و شهرسازی

بررسی مفهومی محله در تجارب غرب بر اهمیت و توجه به آن در تاریخ شهرسازی غرب تاکید می کند. الگوهای واحد همسایگی در شهرسازی غرب از ابتدای قرن بیستم، سعی در ایجاد محیطی کالبدی برای جامعه ای محلی دارد.

الگوهای اولیه واحد همسایگی را به مثابه یک واحد برنامه ریزی شده که بر اساس کاربری های شاخص خدماتی (به طور عمده کاربری آموزشی دبستان) استوار بود تعریف می کرد. بدین ترتیب جمعیت و اندازه واحد همسایگی وابسته به استانداردهای این گونه خاص کاربری می گردید و چنین واحد کالبدی-فضایی غیر قابل انعطاف و کلیشه ای می گشت.

در نیمه ی دوم قرن بیستم الگوهای جایگزین محلات برنامه ریزی شده اند، که در آن ها تعریف واحد همسایگی براساس یک کاربری مشخص و استانداردهای مربوط به آن نیست، بلکه با رعایت بعضی از اصول الگوهای واحد همسایگی ابتدای قرن بیستم مانند داشتن مرکز تعریف شده و مشخص و یا قلمرو و شعاع مشخص برای واحد، به وسیله عناصر دیگری از جمله فضای عمومی مجهز به پایانه حمل و نقل، تاکید بر کاربری های ترکیبی در واحد همسایگی، فضاها شهری فعال و سرزنده تعریف می گردد.

بررسی مفهومی واحد همسایگی در شهرسازی غرب نشان می دهد واحدهای همسایگی شهری می توانند نقش های متعددی را بر عهده بگیرد و اندیشمندان غربی واحد همسایگی را مفهومی کالبدی (محدوده ی مسکونی کوچک با بخشی از عملکردهای مرتبط با سکونت) اجتماعی (ویژگی های اجتماعی و تعامل و کنش اجتماعی بین ساکنین) و روان شناختی (دارای هویت منحصر به فرد خود با خاطرات جمعی و معانی ذهنی) در نظر می گیرند.

بررسی تطبیقی الگوها و مفاهیم محله در ایران و غرب نشان می دهد که در زمینه ی تعریف محله، نقش هایی که محله شهری بر عهده داشته و اصولی که در ساختار اجتماعی و کالبدی- فضایی آن به کار رفته، محله سنتی ایرانی الگویی انطاف پذیرتر، متکامل تر و جامع تر را ارائه می نماید.

با استفاده از اصول محله سنتی ایرانی می توان مفهوم محله را باز تولید کرده و در شهرسازی معاصر کشور مورد استفاده قرار داد. در چند سال گذشته با ایجاد نهادهایی تحت عنوان شورایاری محلات در شهرهای بزرگ و انواع فعالیت های اجتماعی که در سطح محلات شهری سازمان دهی می شود، می توان چشم انداز مناسبی را برای ارتقاء مفهوم محله ای در آینده شاهد بود که باید با استفاده از اصول محله سنتی ایرانی به مفهوم محله عینیت بخشید. (تقه الاسلامی، امین زاده، 1388)

این نوشتار سعی دارد با ارائه ایده های اجرایی و متناسب با فرهنگ، اعتقادات و نیازهای بومی به راهکارهایی منسجم و گویا دست یابد. ایده پیشنهادی مسجد - مدرسه است، ولی با یک باز تعریف دوباره از آن، بازتعریفی در فرم و کارکرد. فعالیت های آموزشی از جمله خط و کتابت از همان آغاز گسترش اسلام در مساجد بوده است. (حتی فیلیپ، تاریخ عرب جلد 1)

این روال بنحوی بوده است که در ابتدا در مکان مسجد که محلی برای تجمع بوده است علوم روز و بالخصوص علوم مذهبی نیز تدریس می شده است ولی به مراتب بدلیل گسترش علوم و فعالیت های مذهبی و آموزشی مراکز خاصی دیگری برای آموزش علوم مذهبی و سایر علوم شکل گرفت (مسجد مدرسه های تهران: حسین سلطان زاده).

بیت الحکمه یکی از نخستین مراکز علمی و فرهنگی بوده که گویا در اوایل قرن سوم هجری در بغداد تاسیس شده است (حتی فیلیپ، تاریخ عرب جلد 1).

Architecture

معماری و شهرسازی

همچنین در اواخر قرن سوم هجری قمری بتدریج مراکز با عنوان دارالعلوم از سوی امراء و امیران تاسیس گردید و تفاوت عمده آنها با کتابخانه ها در این بوده که نه تنها برای امر تعلیم بلکه برای اقامت طلابی که بعضاً از شهرهای دور راهی مرکز علمی می شده اند تسهیلات و از جمله جمله اقامتگاههایی در نظر می گرفتند (متز.آدام، تمدن اسلامی در قرن 4 هجری).

با طراحی واحد مسکن، آن هم در کنار فضاهای آموزشی، نوع ویژه ای از آموزشگاه ها که تلفیقی از سکونتگاه و فضای آموزشی بود شکل گرفت و بتدریج الگوی طراحی مدرسه های علمیه تکامل یافت و گویا از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم ه.ق بوده است که مکانهایی بانام مدرسه ساخته شده و در همین دوره است که احداث مدرسه ای رادر آمل به ناصر کبیر (متوفی 304 ه.ق) و نیز داعی صغیر که از فرمانروایان علوی بوده نسبت داده اند (اولیاءاله آملی تاریخ رویان).

در ایران مسجد مدرسه های متعددی وجود دارد که از آن جمله میتوان مسجد مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)، مروی و مسجد سید در اصفهان و آقابزرگ در کاشان را نام برد.

به لحاظ کالبدی مسجد مدرسه هارا میتوان به چهار نوع تقسیم بندی کرد که بررسی نوع ساختار آنها و معایب احتمالی بالاخص به لحاظ سازگاری و نحوه تقسیم فضایی آنها قابل توجه میباشد.

1- گونه ای که جبهه رو به قبله آن مسجد بوده است و سه جبهه دیگر حجره های مدرسه اند، مانند مسجد مدرسه مروی.
2- گونه ای که دو جبهه رو به قبله و قبله مقابل آن مسجد و دو جبهه ی دیگر یعنی شرقی غربی ها مدرسه اند مانند مسجد مدرسه آقامحمود و معبد الممالک در تهران که البته در این نوع ترکیب بدلیل تداخل فعالیتها و آمد و شد ها بعضاً آرامش فضای زندگی و آرامش طلاب حفظ نمی شده است.

3- گونه ای که طبقه همکف مسجد و طبقه فوقانی مدرسه است، مانند مسجد مدرسه سید در اصفهان که در اینگونه بناها دو جبهه دیگر به دو شبستان کوتاه در طبقه همکف اختصاص داشت و حجره میانی در بالای دو جبهه شبستان طراحی و ساخته شده است و همچنین در جلو حجره های دو جبهه، دو مهتابی قرار داشت ولی اصولاً این طرح برای فضای آموزشی چندان مناسب نبوده و این مهتابی ها محل های مناسبی برای آموزش، بحث و استراحت نبوده اند.

4 - طراحی به گونه ای که طبقه همکف مسجد و طبقه زیرین مدرسه بوده است مانند مسجد آقابزرگ کاشان (مسجد مدرسه های تهران: حسین سلطان زاده).

با خلاصه مطالبی که راجع به مسجد - مدرسه و همچنین محله در شهرسازی ایران بیان شد، سنگ بنای خود را برای حرکت به سمت ساخت معماری و شهرسازی ایران اسلامی و تعریفی برای مرکز محلات ان پیدا کردیم. حال با توجه به وضعیت موجود و نیازهای فردا به تبیین راهبردهایی برای طراحی آن می پردازیم.

در ابتدای توضیحات برای تجسم بهتر اطلاعات متن باید مشخص گردد که منظور از مسجد - مدرسه ای که قصد بر طراحی و استفاده از آن در آینده را داریم فضایی است که به لحاظ مسجد بودن آن دارای کارکرد مذهبی همانند مساجد امروزی است.

فضایی برای برخاستن ندای اذان، تجمع و اقامه اذان، ارتباط با پروردگار. و اما به لحاظ مدرسه بودن آن، نه فضایی همچون مدارس در سیستم آموزشی و پرورشی امروزی و نه فضایی همچون مدارس علمیه (حوزه های علمیه) امروزی است که این هر دو در حال

Architecture

معماری و شهرسازی

حاضر دارای کارکردهای خود میباشد و خارج از بحث این مقاله اندو لذا فضای آموزشی مذکور محلی است برای تدریس علوم اسلامی و هنر، علوم انسانی بعنوان پایه و اساس و وجه تمیزه جهان بینی ایرانی اسلامی و هنر به نشانه خروجی و نماد این نوع جهان بینی .
آموزشگاهی نه در داخل مسجد که در جوار آن، دارای ساختار یگانه و پیوستگی فضایی و لذا کارکرد مستقل شاید دارای همپوشانی فضایی در حیاط و فضای باز آن هم بدون تداخل در حرکت ها و دسترسی ها. حال این مسجد مدرسه را از دو دیدگاه معماری و شهرسازی تبیین میکنیم

دیدگاه معماری :

به لحاظ معماری در سه بعد بررسی میشود ، نخست معنا و آموزه های دینی در معماری مسجد مدرسه ، دوم مفهوم تراسیسی در معماری مسجد مدرسه و سوم فن آوری روز در مسجد مدرسه .

معنا و آموزه های دینی در معماری مسجد مدرسه : در این مبحث تأکید اصلی به فضای مسجد است ، نگاهی به مساجد اولیه صدر اسلام بالاخص مسجد پیامبر اکرم (ص) در مدینه نشان از سادگی در طرح و مصالح دارد و بدور از اعلام عظمت ظاهری بلکه عظمت در معنا، پس فضای مسجد مدرسه همچون مسجد پیامبر فضایی است ساده، کمتر حجم و بیشتر فضا (بطور مثال مصلاهی در حال ساخت اصفهان در نقطه مقابل فرمول فوق الذکر است)

چرا که در اسلام توصیه شده است نماز و عبادت در فضای باز و زیر آسمان باشد. بنظر میرسد سازه مناسب برای الگوی فضای مسجد مدرسه و یا در کارکرد کلان آنها یعنی مصلاها همان سازه های سبک از جمله سازه های غشایی (پارچه ای ، کابلی،.....) باشد که میتوان هویت بخشی و صورت مشترک در طراحی این مسجد مدرسه ها باشد.

مفهوم تراسیسی در معماری مسجد مدرسه و فن آوری روز در مسجد مدرسه : همانگونه که گفته شده تراسیسی در لغت بمعنای ایجاد شکل جدید بر پایی مفاهیم گذشته می باشد. به همین لحاظ بر پایه فرمهای معماری که از مسجد مدرسه گفته شده می باشد. همچنین با توجه به سادگی فرمی و فضایی و توجه بیشتر به فضا بجای حجم و نیز لزوم توجه به آسمان و فضای باز ، باید این تراسیسی را در غالب جدیدی بوجود آورد که البته در این راستا تأکید بسیار بر استفاده از فن آوری های روز میباشد بطوری که تأکید میشود ساختمان مسجد مدرسه همانطور که به لحاظ فرمی و معنایی صادر کننده و القاء کننده الگویی جدید از ساختمان و سبک زندگی می باشد ، باید در همه ابعاد تولید کننده و تأثیر گذار باشد که از آن جمله نوع معماری ساختمان است که باید حالت تولید کننده (productive mode) باشد و این خود نشان دهنده مدرن و علمی بودن و همگرا با طبیعت بودن تعالیم دین مبین اسلام و ارزش های بومی ایرانی می باشد.

دیدگاه شهرسازی :

از دیدگاه شهرسازی این مسجد مدرسه ها در دو سطح شهری یعنی مصلی های فعلی و ریز شهری یعنی مرکز محله ها ، قابل اجرا و جا نمایی می باشد که با توجه به قرارگیری در نقاط ثقل جمعیتی و دسترسی میتواند دارای تأثیر گذاری بر روند تفکر معماری و شهرسازی و فرهنگ سازی عمومی باشند و بعنوان دیدی جدید به مسجد - مدرسه بیان گردند بالاخص آنکه میتوان مسجد را از نظر

Architecture

معماری و شهرسازی

ساده زیستی، اهمیت به طبیعت و انرژی (ساختمان سبز)، پرهیز از اصراف و افراط و خلوص و خرد در مقوله ارتباط با پروردگار و همچنین پیوستگی دین در تمامی لایه های زندگی بیان نمود.

در حال حاضر با شکل گیری مصلاهایی نظیر مصلاهای بزرگ اصفهان و یا مصلاهای بزرگ تهران شاهد اصرار بر القای بزرگی و عظمت در کالبد و نام هستیم حال آنکه باید این بزرگی را در نگاه ها برد و نه در ان چیزی بدان نگریسته میشود.

وجود مسجد - مدرسه هایی ساده و متواضع به لحاظ فرم و تزئینات در درون محلات میتواند بیان کننده بروز خرد برخاسته از جامعه ایرانی اسلامی باشد و همچنین به روز بودن به لحاظ دستاوردهای علمی در کنار استعاره گرفتن از نماها و نقوش مشخصه مساجد میتواند بیان کننده اهمیت علم و شناخت مسائل در تعلیمات دین مبین اسلام باشد.

با گرایش فضا و شهرسازی در شهرهای ایران بالاخص در شهرهایی چون اصفهان، تهران، یزد و ... به سمت اولویت دادن به تردد و حرکت پیاده در نواحی مسکونی بویژه درون محلات، مسجد - مدرسه میتواند به عنوان قرارگاهی رفتاری و نشانه ای محلی خود را تجلی دهد و لذا با در نظر گرفتن اختلاط کاربری بوجود آمده در کارکردهای مسجد و همزمان فضای آموزشی تبدیل به رویدادی تمام وقت میشود که خود باعث ایجاد رونق و سرزندگی در درون محله است و به نحوی در تمامی ابعاد زندگی ساکنین تاثیر گذار و دخیل اسد.

شاید در رابطه با مبحث مصلاها نیز بهتر باشد توجه بیشتری به فضا (space) در مقابل توده (mass) گردد و در واقع سعی گردد از ساده سازی و سبک سازی همچون سازه های پارچه ای و غشایی و یا کابلی استفاده شود، چرا که در اسلام توصیه گردیده که ادای فریضه نماز مستحب است در فضای آزاد و در زیر آسمان باشد.

در حالی که روند شهرسازی و ساخت در دوره های اخیر به سمت معماری و شهرسازی پایدار و سبز پیش میرود، مسجد - مدرسه با استقرار در مرکز محلات و در محل توجه و عبور ساکنین میتواند به عنوان پروژه ای محرک 4، القا کننده و بسط دهنده این نوع تفکر در عرصه ساخت و ساز باشد. که البته این مورد نیز کاملاً منطبق با تعالیم اسلامی و نهفته در معنای مسجد است و شاید مسجد و یا مسجد - مدرسه خود باید پیشرو در این عرصه باشند.

5 - انواع حالات ساختمان در برخورد با مقوله انرژی:

1- حالت غیر فعال (passive mode): فقط با استفاده از انرژی های محیطی وبدون هرگونه استفاده از انرژی مکانیکی شرایط مطلوب درون بوجود می آید.

2- حالت کاملاً مکانیکی (full mode): فقط با استفاده از انرژی های مکانیکی فضای درون مطلوب می گردد وبدون توجه به محیط و انرژی بیرونی.

3- حالت مختلط (mix mode): هم توجه به انرژی های محیطی وهم استفاده از انرژی های مکانیکی.

Architecture

معماری و شهرسازی

4- حالت تولید کننده (productive mode): علاوه بر استفاده از انرژی های محیطی برای خود قادر به تولید و ذخیره این انرژی ها برای انتقال به بیرون ساختمان نیز می باشد بطور مثال با استفاده از سلولهای خورشیدی، پمپ های گرمایی، توربین بادی (مجله معماری و ساختمان 25).

4- پروژه محرک، پروژه ای است که با استقرار در محیط خود باعث به تحرک و داشتن فضا و محیط در جهت مورد نظر میشود. (طراحی شهری - جان لنگ)

نتیجه گیری:

برای رسیدن به آرمان های شهر اسلامی باید با نگرشی سیستمی به تمام ابعاد زندگی و محیط زندگی، یعنی شهر پرداخت. در این نوشتار پس از ارایه پیشینه تحقیقی در رابطه با مقایسه محله در شهرسازی ایران و واحد همسایگی در شهرسازی غربی و پس از آن تاکید بر لزوم نگرش محله محور در طرح های شهری، اشاره به مراکز محلات می شود و پیشنهاد متناسب جهت مرکز محله ارائه می گردد که همان مسجد، مدرسه می باشد و البته مسجد، مدرسه ای که دچار نوعی بازتعریف در کالبد، فعالیت و به دنبال آن معنا شده است. مسلمان ایرانی در پناه تعالیم تشیع، علاوه بر توجه به پروردگار هستی و اصول اعتقادی توصیه بسیار به علم آموزی و آبادانی دنیا شده است و شرط رستگاری را این هر دو یعنی پابندی به اصول اعتقادی بر اساس آگاهی می داند.

مسجد، مدرسه ی پیشنهادی دارای کاربردی مذهبی - آموزشی می باشد که البته نوع و نحوه فضای آموزشی در آن به صورت علوم انسانی، هنر و علوم فقهی می باشد.

به لحاظ فرمی سعی شده تا با اشاره به اولین مسجد پیامبر سادگی را الگو گرفته و در واقع عظمت را در نگاهها آورد و نه در چیزی که به آن نگاه می شود، به لحاظ فرم و کالبد با استعاره از الگوهای معماری ایرانی - اسلامی و با کمک جدیدترین فن آوری های روز مجموعه ساختمانی کاملاً سبز و پایدار شکل می گیرد چرا که مسجد - مدرسه علاوه بر آنکه در مبحث سبک زندگی و جهان بینی صادر کننده نوعی تفکر است. ذاتاً مصرف کننده نیست و این ویژگی حتی در زمینه انرژی نیز صادق است و ساختمان آن خود تولید کننده انرژی می باشد (Productive mode)، مسجد مدرسه پیشنهادی جهت مرکز محلات ساده و بی پیرایه است، هم علم است و هم عرفان، سبز و پایدار است و متواضع.

منابع و ماخذ:

- 1- (رهبری، حسن - شهر و روستا در فرهنگ قران - مجله شماره 55 - 54 ویژه قرآن و مهندسی فرهنگی تابستان و پاییز 1387).
- 2- (حتی، فیلیپ - تاریخ عرب جلد 1، 1886 میلادی - ترجمه ابوالقاسم پاینده 1344).
- 3- (سلطان زاده، حسین - مسجد مدرسه های تهران: - نشریه فقه و اصول شماره 28 - زمستان 1378).
- 4- (متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج 1، ترجمه ی علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران، 1362).
- 5- (اولیاء الله آملی، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، 1348).
- 6- (دردویان یا سین - زندگی پایدار: مطالعه ی موردی توسعه ی فضای داخلی پایدار بدون نیاز به انرژی در منطقه ی بدینگتون در جنوب لندن - فصلنامه معماری و ساختمان - شماره 25، زمستان 1389).
- 7- (لنگ، جان - طراحی شهری - ترجمه حسین بحرینی - انتشارات دانشگاه تهران 1386).